یک سؤال از امیر قلعه‌نویی؛ حالا چی؟

هومن جعفری

۱- سوت پایان را که زدند دیگر نه از تاک نشانی باقی مانده بود و نه از تاک‌نشان! تراکتورسازی، تیمی که قرار بود امسال قهرمان شود و هیچ بهانه‌ای هم برای نرسیدن به این نتیجه نتراشد، نه به قهرمانی لیگ رسید و نه به قهرمانی جام حذفی! رسیدن به یک عنوان نایب‌قهرمانی در جام حذفی و یک عنوان سومی در لیگ در یک فصل شاید برای هیچ مربی یا باشگاهی آنقدر بد نباشد که هیچ، نتیجه دلپسندی هم باشد؛ ولی برای تراکتوراین‌گونه نبود. امیر قلعه‌نویی، زیر نگاه بی‌رحم لنزهای فیلمبرداری، تیم گریانش را از روی نیمکت و زمین چمن جمع کرد تا به رختکن برود و در طول مسیر بارها از خود همان سؤالی را پرسید که ترجیع‌بند پایانی سریال معروف لوتر است :

«حالا چی میشه؟»

۲- تراکتورسازی برای رسیدن به قهرمانی امسال همه‌چیز داشت. هم مدیرعاملی بالای سر تیم بود که تجربه قهرمانی داشت و هم سرمربی تیم این سابقه را داشت. خریدهای ابتدای فصل هم عمدتاً چنین تجربه‌ای را داشتند. اسم‌های بازیکنان تراکتور را تریلی نمی‌کشید. حضور محسن بنگر، محمد نوری، کرار جاسم، فرزاد حاتمی و بازیکنان غیر بومی دیگر در کنار بازیکنان باتجربه و محبوب تراکتور کمک کرد تا این تیم در نقل و انتقالات موفق‌ترین تیم لقب بگیرد. شاید خیلی‌ها فکر می‌کردند استقلال تیم برنده فصل نقل و انتقالات است اما با تجربه‌ترها می‌دانستند که زرادخانه تیم پرطرفدار تبریزی سُنبه قوی‌تری دارد. کار به جایی رسید که امیر قلعه‌نویی اعلام کرد که این تیم انقدر خوب است که دیگر بهانه‌ای برای قهرمان‌نشدن باقی نمی گذارد.

تراکتورسازی این‌گونه وارد فصل شد و صدالبته هم از همان ابتدا، از غیبت استقلال و سپاهان در جمع مدعیان استفاده کرد و با پرسپولیس یک رقابت جدّی را برای صدرنشینی آغاز کرد. امیر قلعه‌نویی در طول فصل، همان‌گونه مربی‌گری کرد که در استقلال؛ به اسم‌ها دل بست، جوان‌ها را به بازی نگرفت، در همان محدوده شعاع تاکتیکی محدود، همه این چند سال قدم برداشت، به وقت برد، از این حریف تعریف می‌کرد که نشان دهد تیم بزرگی را شکست داده، به وقت باخت هم که شکست‌ها یا حاصل اشتباه فردی بود و یا اشتباهات داوری! تراکتورسازی نیم‌فصل امیر، به فکر هیچ فردای مبادایی نبود که اگر دستش از بازیکن کوتاه ماند، باید چگونه و با کدام بازیکن‌های جوان و بازی‌نکرده، وارد مسابقات شود. تراکتور نیم‌فصل اول را سپری کرد و به سراغ نیم‌فصل دوم رفت. دو بازیکن نیمکت‌نشین پرسپولیس را جذب کرد تا خیالش راحت باشد که در نیم‌فصل دوم خودش قوی‌تر است و حریف صدرنشین دستش از یار خالی می‌ماند. برای جذب سجاد شهباززاده هم اعلام آمادگی کرد که حکم فیفا از غیب رسید. نه‌تنها سجاد اجازه بازی برای تراکتور را نداشت، که نوراللهی و عالیشاه را نیز هنوز نیامده باید کنار می‌گذاشت.

۳- نیم‌فصل دوم برای امیر قلعه‌نویی این‌گونه آغاز شد. با محرومیت تراکتورسازی از نقل و انتقالات، با جدایی سروش رفیعی و نیامدن سه بازیکن جوانی که قصد جذبشان را داشت، با جنگ‌های کلامی بین مدیران باشگاه تراکتورسازی در مورد بدهی‌ها و علل محرومیت این تیم. این وسط، ناکامی‌های پی در پی تراکتور در مقابل تیم‌های پایین جدولی و نتیجه‌نگرفتن‌ها در خانه، تبدیل شد به آفت تیم. فاصله امتیازی اندک‌تراکتورسازی با پرسپولیس، بازی به بازی بیشتر شد؛ این اما همه قصه نبود. تنش‌های درون‌تیمی، باعث شد تا بازیکنان، بازی به بازی عصبی‌تر شوند. تعداد کارت‌های زرد و قرمز این تیم در نیم‌فصل دوم، آنقدر بالا رفت که در تعدادی از مهم‌ترین بازی‌ها، امیر قلعه‌نویی به اندازه کافی یار برای پرکردن نیمکتش نداشت. تیم پیر و پا به‌سن‌گذاشته امیر با بازیکنان سن بالایش، بازی به بازی خسته‌تر، ناامیدتر و عصبی‌تر پیش رفتند. جوان‌هایی که باید در وقت مبادا وارد زمین می‌شدند تا همان خدمتی را به سرمربی کنند، که جوان‌های استقلال به علی منصور، هیچ کدام نبودند، جذب نشده بودند، دیده نشده بودند. برای بازی‌کردنشان برنامه‌ای نبود. امیرعین تمام این سال‌های اخیر، جوان‌ها را به بازی نمی‌گرفت.

۴- امیر قلعه‌نویی از میانه‌های نیم‌فصل دوم به بعد، هر چه به پایان فصل نزدیک‌تر می‌شد، بیشتر به توجیه قهرمان‌نشدن تیمش می‌پرداخت. درست مثل یکی از بازی‌های استقلال، یک‌بار هم در تراکتورسازی نیمکتش را در غیاب مصدومان و محرومان با تعدادی کمتر از ۱۸ نفر به میدان فرستاد تا بگوید که یار ندارد؛ در حالی‌که می‌توانست تعدادی از بازیکنان تیم امید را با خود روی نیمکت بنشاند. هدفش از این نمایش غیر ضروری در استقلال و در تراکتور، این بود که آخر فصل توجیه کند که یار نداشته! در نیم‌فصل دوم درست است که نتوانست چند بازیکن را جلب کند، اما تنها یک یار از دست داد و آن سروش رفیعی بود. او در کنفرانس مطبوعاتی هر مسابقه، تعداد یارهایی را که نداشت می‌شمرد تا به همه نشان دهد که دستش بسته است و هر بار، هم رفیعی را حساب می‌کرد، هم بازیکنانی که در نیم‌فصل باید می‌آمدند و نیامده بودند. در حقیقت از قبل از پایان فصل می‌دانست قهرمان نمی‌شود و به همین دلیل هم به این‌گونه توجیهات می‌پرداخت. اخراج محسن بنگر از تیم، در پایان بازی مقابل پرسپولیس هم اتفاق دیگری بود که باید به آن اشاره شود. تیمش بدون چند یار اصلی در تهران به پرسپولیس برانکو باخت و در پایان بازی اعلام کرد که بنگر از تیم اخراج شده! او خودش بازیکنی را اخراج کرد که در ابتدای فصل جذب کرده بود. در ابتدای فصل خیلی‌ها با جذب امثال او و نوری مخالف بودند و می‌گفتند این بازیکنانِ پا به‌سن‌گذاشته نمی‌توانند در نیم‌فصل دوم به تیم کمک کنند. امیر اما کار خودش را کرد.

۵- فصل تمام شد. تراکتور در لیگ سوم شد و امیدش را به قهرمانی در جام حذفی معطوف کرد. خیلی‌ها فکر می‌کردند که در رقابت با تیمی مثل نفت که نه ساختار درستی دارد، نه بازیکنانش پولی گرفته‌اند و نه تماشاگری دارد، این تراکتور است که به قهرمانی می‌رسد؛ اما این نفت بود که در انتهای بازی به قهرمانی رسید. امیر قلعه‌نویی که برای قهرمان‌نشدن در لیگ، هزار بهانه آورده بود، بازی جام حذفی را به تیمی باخت که هیچ برتری نسبت به تیمش نداشت. نفت نه اسپانسری داشت که برای تیم هزینه کند، نه بازیکنانی که حقوقی گرفته باشند و نه حتی توانی برای خرید ستاره‌های نیم‌فصل اول. با این‌همه، امیر قلعه‌نویی بازی فینال را باخت تا همچنان در حسرت کسب یک جام بعد از جدایی‌اش از استقلال بماند. این وسط، امیر می‌ماند و آینده نامعلومش. کدام تیم حاضر است به او فرصت مربی‌گری بدهد؟

۶- امیر قلعه‌نویی گران‌ترین مربی در فوتبال ایران است. پولی که بابت خودش باید پرداخت کنی نجومی است و این شامل ارقام سنگینی می‌شود که باید برای دستیارانش نیز بپردازی؛ اما این کل ماجرا نیست. او گران‌ترین بازیکن‌ها را هم می‌خواهد. دیگر آن امیر قلعه سال ۸۲ نیست که برود و کل ستاره‌های یک تیم را بیرون کند و بازیکنان تیم امید را بیاورد و با آنها کار کند و از دلشان یک تیم قهرمان بسازد. او حاضری‌خور است. فقط گران‌ها را می‌خواهد. تیمی که حاضر شود با امیر قلعه‌نویی کار کند، باید خیلی پول بابت بازیکنانی بدهد که او می‌خواهد. وقتی در استقلال بود، لیست تیم ملی را می‌گذاشت مقابل فتح الهزاده و می‌گفت: اینها را جذب کنید!

با این اوضاع اقتصادی لیگ هم خریدهایش صرفه اقتصادی ندارد. تیم‌های پرخرج لیگ، در پی کاهش هزینه‌های خود هستند. سپاهان کاهش را در پیش گرفته، استقلال وو پرسپولیس هم. تیم متموّلی در لیگ نداریم که از پس پرداخت هزینه‌های تیم‌داری رؤیایی امیر بر بیایَد. همه تا خرخره بدهکارند. تنها مقصدی که شاید بشود برای امیر قلعه در نظر گرفت، شاید ذوب آهن باشد. ماندنش در تراکتورسازی برمی گردد به کنارآمدنش با مدیریت باشگاه و کوتاه‌آمدن از جذب بازیکن؛ چرا که تراکتور، حداکثر بتواند ۳ بازیکن آزاد را با سهمیه فیفا جذب کند. اگر بماند، احتمالاً باید به خیلی از خواست‌هایی تن در بدهد که به آنها رضا نیست و اگر بیرون بیاید جایی را برای رفتن ندارد. پیکان با جلالی تمدید کرد. سایپا دارد با دایی می‌بندد. ذوب آهن؟ معلوم نیست.

۷- امیر قلعه‌نویی دوستان و اطرافیانی دارد که تا امروز از همنشینی با آنها سودی نبرده جز ضرر. همان‌ها که وقتی در استقلال بود، آنقدر برایش پرونده ساختند که پای کمیته منشور هم وسط کشیده شد. همان‌ها که ایمان موسوی در موردشان حرف زد و جواد نکونام در موردشان حرف زد و سید مهدی رحمتی هم در موردشان حرف زد. خیلی‌ها مصاحبه‌های بازیکنان تراکتور را علیه مدیریت باشگاه، بعد از بازی آخر در لیگ، تقصیر همین دور و بری‌ها می‌اندازند که بازیکنان را تیر کردند تا علیه آجورلو سخن بگویند. این وسط قصه امیر قلعه‌نویی با این دوستان جنجالی هم باید جالب باشد. اگر تراکتورسازی برای ادامه همکاری با امیر، شرط حذف این چهره‌ها را داشته باشد، امیر قلعه‌نویی چه می‌کند؟

۸- امیر، پا به سن گذاشته. دیگر شادابی و حوصله ده سال قبل را ندارد. او این روزها دیگر یک مربی تمام‌وقت هم نیست. رستوران دارد و هزار بیزینس دیگر هم هست که ذهنش را در طول روز درگیر می‌کند. وقتی در استقلال بود، تا روزی چهار یا پنج ساعت از وقت روز خودش و کادر فنی را صرف می‌کرد تا قبل و بعد از تمرین‌ها، جلسات آنالیز تمرین برگزار کند؛ این شرایط امروز او نیست. او دیگر آنقدرها وقت نمی گذارد. آنقدرها دنبال جادادن به جوان‌ها نیست. آنقدرها شجاعت خودانتقادی را ندارد. امیر قلعه‌نویی دیگر آن مربی دهه هشتاد نیست. او گران‌تر از همیشه است و سنگین‌تر و پر خرج‌تر و مشغول‌تر، و در نتیجه ناموفق‌تر. او حالا دارد به این فکر می‌کند که عاقبتش در تراکتور چه می‌شود. وقتی داشت بازیکن‌های تراکتور را از روی نیمکت جمع می‌کرد تا مقابل دوربین‌ها گریه نکنند هم، داشت به همین فکر می‌کرد؛ به سؤالی که در آخر هر چهار فصل «سریال لوتر» پرسیده می‌شود: «حالا چی میشه؟»

برند بی‌ارزش تیم قهرمان

فرشاد کاس‌نژاد

انگار هیچ‌کس در قبال نابسامانی‌های اساسی و اغلاط بنیادین در فوتبال ایران مسوولیتی ندارد. فوتبال در ایران با غلط‌ترین آدرس‌ها پیش می‌رود، به سوی مقصدی نامعلوم، با دورنمای اقتصادی دلهره‌آور. فوتبال ایران اما ترسی ندارد. سرمایه‌ها خصوصی - یا خصوصی واقعی- نیست و ابایی از ورشکستگی در چهره فوتبال ایران نمی‌بینیم. نداشتن «عقل ترس» به یکی از بحران‌های مدیریت در فوتبال ایران تبدیل شده است.

قهرمانی نفت تهران در جام حذفی دوباره می‌تواند بحث بی‌پایان تیم‌های بی‌تماشاگر و بی‌هدف را بگشاید. نفت تهران نمونه‌ای از تیم‌های آواره در فوتبال ایران است، تیمی که به لیگ قهرمانان آسیا رسیده اما نه مالکیت و نه مدیریت مشخصی دارد، نه معلوم است بخش خصوصی با کدام هدف برای خرید امتیاز این تیم بی‌طرفدار رغبت پیدا کرده بود. طنزآلود است اگر فکر کنیم بخش خصوصی می‌خواست از سکوهای خالی درآمد کسب کند. مساله اهداف نامعلوم نفت تهران و آینده نامعلومش است، مساله ساز و کار اقتصادی فوتبال ایران است که فضا را به شکل عجیبی برای رشد تیم‌هایی فاقد جایگاه اجتماعی فراهم می‌کند و درآمدزایی از راه‌های شناخته شده و روشن در فوتبال حرفه‌ای بی‌معنا می‌شود.

این اقتصاد بیمار در فوتبال ایران، نشان تجاری باشگاه‌ها را بی‌ارزش کرده است. وقتی یک تیم مثل نفت تهران، بدون تماشاگر و بدون قابلیت درآمدزایی است اما به لطف بودجه‌های پیشین از وزارت نفت، رشد کرده و حتی می‌تواند یک فصل کمبودهای مالی را تاب بیاورد و در وضعیت نامعلوم مالکیت، به قهرمانی جام حذفی برسد، اگرچه تیم موفقی در فوتبال ایران محسوب می‌شود اما به عنوان یک شرکت ورزشی صاحب ارزش واقعی در مقایسه با هزینه‌هایش نیست. بی‌هوادار است و توانایی ایجاد درآمد ندارد و در فوتبال خصوصی هرگز بخش خصوصی را برای سرمایه‌گذاری ترغیب نمی‌کند اما به لطف اغلاط بنیادین در اقتصاد فوتبال ایران فربه شده و قدرت گرفته است.

این نشان تجاری-ورزشی حالا چه قیمتی دارد؟ بنگاهی که زیان‌آور است و بدهی به بار آورده و سرنوشتش جز برای بازیکنان و مربیان و عوامل اجرایی باشگاه دغدغه هیچ‌کس نیست و نباید هم باشد. خریدار این نشان تجاری-ورزشی کیست؟ کدام سرمایه‌گذار با کدام اهداف روشن اقتصادی وارد چنین کارزاری می‌شود که امروز به طور مثال امتیاز نفت تهران را بخرد، بدهی‌های انباشته‌اش را بپردازد و برای فصل بعد نیز لابد با چند ده میلیارد هزینه به موفقیت در لیگ برتر و لیگ قهرمانان آسیا فکر کند؟ موفقیت برای چه کسی؟ موفقیت برای ایجاد کدام اتفاق که مثلا برای اهداف تبلیغاتی در بخش خصوصی جذاب باشد؟ نفت تهران کدام جذابیت را برای کدام مخاطب ایجاد می‌کند؟ تیم بی‌طرفدار هرگز با سرمایه‌گذاری بخش خصوصی به بالاترین لیگ فوتبال نمی‌رسد و اگر بخش خصوصی سرمایه‌گذاری در تیمی بی‌طرفدار را تجربه کند، آخرش به ما یادآوری خواهد کرد که آن سرمایه‌ها از چه طریقی کسب شده بود و در فوتبال خرج می‌شد، همانطور که پاسخ چرایی سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در راه‌آهن چند فصل پیش را با خبر فساد بزرگ اقتصادی مالکش گرفتیم.

بی‌ارزش شدن نشان تجاری باشگاه‌ها به تیم‌های واقعی آسیب‌های جدی رسانده است، به آنها که هویت‌شان را از تماشاگران پرشمار می‌گیرند و می‌توانند جذابیت و درآمد ایجاد کنند اما هرگز فضای اقتصادی فوتبال ایران برای رشد آنها دری را باز نکرده. در فوتبال ایران با رشد تیم‌های بی‌تماشاگر یا کم‌تماشاگر مثل همین نفت یا پیکان و سایپا به لطف پول‌هایی که هر سال بی‌ثمر هزینه می‌شود، تیم‌های پرتماشاگر و بی‌بهره از این سرمایه‌های بادآورده، نابود شده‌اند و اقتصاد فوتبال نیز در غیاب تماشاگران و مخاطبان تلویزیونی به ورشکستگی دچار شده و بدهی‌هایش سر به فلک می‌کشد. اگر فوتبال با پول‌های بادآورده گران و گزاف نمی‌شد، اگر تیم‌های بی‌تماشاگر با اهداف نامعلوم فوتبال را اشغال نمی‌کردند، اگر هر تیمی به اندازه توان درآمدزایی‌اش هزینه می‌کرد و بازی اقتصادی در فوتبال ناجوانمردانه نمی‌شد، اگر تلویزیون مجبور نبود بازی‌هایی با سکوهای خالی را نمایش بدهد، آنگاه فوتبال دیگری داشتیم، با قهرمان‌های جذاب‌تر، با هیجان بیشتر، یک فوتبال واقعی که ورشکسته نبود، که با سکوهای خالی یک علامت سوال بزرگ جلوی تیم بی‌تماشاگر و قهرمان نمی‌گذاشت: چرا قهرمان شده‌ای؟

دلایل قهرمان نشدن پنج سال اخیر؛

اشتباهاتی که به قلعه‌نویی لطمه زد

سرمربی تیم فوتبال تراکتورسازی که در لیگ برتر با این تیم سوم شد در فینال جام حذفی هم نتیجه را به تیم بحران زده نفت واگذار کرد تا جام نگرفتن قلعه نویی پنج ساله شود.

به گزارش خبرنگار مهر، امیر قلعه نویی آخرین فرصت خود در تراکتورسازی را برای ادای دین به پرشورها هم از دست داد و جام را دو دستی به علی دایی داد و دو استقلالی به نام‌های تیموریان و البته شهباززاده.

امیر قلعه نویی بین چهار تیم پنجم شد

از سال ۹۱ که با استقلال تهران قهرمان لیگ برتر شد، دیگر هرگز هیچ جامی نیاورده است. او سال بعد از بین ۴ تیم به قول فتح الله زاده پنجم شد و سال بعد از آن با افشارزاده دو دربی را باخت و ششم جدول شد و از استقلال رفت. قلعه نویی بعد از آن هرگز موفق نشده هیچ جامی را ببرد نه لیگ بتر، نه حدفی و نه حتی جام های تدارکانی.

امیر قلعه نویی هرگز چنین فضایی را به یاد نداشته است، او همیشه به فاصله یک یا نهایتا دو سال یک جام را برای خودش در تیمی که کار می کرده به ارمغان آورده است. چه در استقلال چه در سپاهان او همیشه جام داشته اما امسال هم مثل چهار سال گذشته دست امیر قلعه نویی از جام کوتاه ماند تا با خود بیاندیشد که چه اتفاقی رخ داده که امیر قلعه نویی جام نمی برد؟

سرگذشت این روزهای امیر قلعه نویی را باید در زندگی الگوی وی جست جایی که علی پروین هم در روزهای آخر مربیگری خود به آن دچار شده بود.

اطرافیانی که اعتبار می گیرند

امیر قلعه نویی درست مثل علی پروین دو دسته نفرات را کنار خود می بیند، یک دسته شامل اطرافیانش می شوند که وظیفه به روز رسانی امیر را دارند و البته نمی توانند چنین کنند و بعضا می بینیم که با مشاوره هایشان نه تنها این سرمربی باهوش را به روزرسانی نمی کنند بلکه با رفتارها و مشاوره های ۵۰ سال قبل قلعه نویی را عقب نگه می دارند.

امیر قلعه نویی آن روزها که باید بهترین مشاوران و با سواد ترین آنها را کنار خود می نشاند و آنها را نگه می داشت دقیقا برعکس عمل کرد و اطرافیانش را از میان آدم هایی انتخاب کرد که اکثر آنها « نه همه آنها» چیز جدیدی به امیر نمی دادند و بیشتر از اینکه چیزی بدهند، از او اعتبار می گرفتند.

علی پروین هم در روزهای آخر مربیگری خود چنین بود اجازه نمی داد به جز برخی افراد خاص کسی به دفتر کارش مراجعه کند و در نتیجه با این دایره بسته به روز نشد و در گفتار و رفتار و مربیگری اش با مشکلاتی مواجه شد.

مدرسه پیرمردها

اشتباه دوم امیر قلعه نویی که البته هنوز تمام نشده اما از خودش عقب مانده است این بود که اسیر یک سری نام بازیکن در زمین چمن شد. علی پروین هم این دو سه سال آخر همچنان سعی داشت با حمید استیلی، علی انصاریان، تاتار، خان محمدی، جباری، رافت و ... به میدان برود در حالی که اینها حریف جوان های سریع لیگ برتر نمی شدند اما پروین هنوز پای آنها ایستاده بود. او هم جوان گرایی نکرد و یا کم چنین کرد.

امیر قلعه نویی هم مثل علی پروین در استقلال با نیکبخت، اولادی، پژمان نوری، فرزاد حاتمی و خیلی های دیگر که سن و سالی داشتند تیم را بالا ببرد اما از همین جا ضربه خورد و کارش در استقلال خراب شد و در تراکتور سازی هم با بازیکنان پا به سن گذاشته به رقابت آمد و یکی از پیرترین تیم های لیگ برتر را بست. بازیکنانی مثل محسن بنگر، مثل ایران پوریان و خیلی از قدیمی تر های تراکتور سازی.

این بار هم او شکست خورد و جام را به تیمی باخت که اتوبوس نداشت از هتل تا ورزشگاه بتواند برود.

به نظر می رسد امیر قلعه نویی پا جای پای علی پروین می گذارد و شاید سرنوشتش هم همان باد، هر چند علی پروین جایگاه بزرگی در میان مردم دارد و امیر قلعه نویی آنقدر با تیم های مختلف جلوی استقلال ایستاده و علیه این تیم موضوع داشته که ممکن است آن جایگاه مردمی علی پروین را نداشته باشد.

گزارش

به بهانه دیدار دوباره با تیم اماراتی؛

یادتان هست استقلال العین را برد و فینالیست شدند؟

علی خلف

تیم فوتبال استقلال تهران بعد از صعود از مرحله مقدماتی لیگ قهرمانان آسیا، در مرحله یک هشتم نهایی این مسابقات حریف تیم قدرتمند العین امارات شد.

تیم جوان استقلال که شاید در ابتدای فصل و به دلیل نتایج نه چندان خوبی که گرفته بودند انتظار زیادی از آنها نمی‌رفت، بعد از نتایج جالب توجهی که در نیم فصل دوم در لیگ گرفتند، در لیگ قهرمانان آسیا هم نتایج درخشانی گرفته و با ۱۱ امتیاز از گروه خود صعود کردند تا حریف تیم قدرتمند العین امارات شوند. تیمی که از بهترین بازیکن فعلی آسیا هم استفاده می‌کند.

رویارویی قریب الوقوع استقلال و العین، اولین دیدار تاریخ این دو تیم نیست. این دو تیم پیش از این هم در رقابت‌های قهرمانی باشگاه های آسیا با هم روبرو شده بودند.

تیم فوتبال استقلال تهران در حالی در فصل ۷۸-۷۷ با مربیگری مرحوم ناصر حجازی راهی رقابت‌های لیگ قهرمانان آسیا شد که در آن سال هم این تیم پوست انداخته بود و با کنار گذاشتن بازیکنان اسم و رسم دار و جذب بازیکنان جوان و کم و نام و نشان که البته بعدها همه آنها تبدیل به بازیکنان بزرگ فوتبال ایران شدند قدم به این مسابقات معتبر آسیایی گذاشت.

در آن دوره از مسابقات مرحله گروهی به صورت متمرکز و به میزبانی یک شهر انجام می‌شد. استقلال با تیم‌های الهلال عربستان، العین امارات و کوپکتداق ترکمنستان همگروه بود و این بازیها با میزبانی شعر «عین» در امارات برگزار شد تا تیم العین عملا میزبان هر چهار تیم باشد.

آبی پوشان تهران در اولین گام به مصاف تیم پر قدرت و مدعی الهلال عربستان رفتند و در حالی که حتی خوشبین ترین هواداران استقلال هم نمی‌توانستند پیروزی این تیم را پیش بینی کنند، آبی پوشان در حالی که بیشتر از یک نیمه هم به واسطه اخراج شدن رضا حسن زاده ده نفره بازی کردند، در نهایت با گل‌های فرهاد مجیدی و سیروس دین‌محمدی این بازی را به سود خود خاتمه دادند.

آبی پوشان در دومین گام خود در این مسابقات به مصاف العین، میزبان رقابت‌ها رفتند. تیمی که از آن در کنار الهلال بعنوان شانس اول صعود از گروه و حتی بعنوان امید قهرمانی مسابقات یاد می‌شد. العین نیز در اولین گام تیم کوپکتداق را از پیش رو برداشته بود و دو تیم با سه امتیاز اندوخته خود از دیدار اول به مصاف هم رفتند.

در تیم استقلال بازیکنانی مثل پرویز برومند، جاوید شکری، سیروس دین‌محمدی، ایوب اصغرخانی، علیرضا اکبرپور، فرهاد مجیدی، محمود فکری، سید علی موسوی، سهراب بختیاری زاده، علی چینی و ... بازی می‌کردند.

العین که با یک مربی سرشناس ایتالیایی به اسم بیلاچی در این مسابقات حضور یافته بود، انتظار هر نتیجه‌ای را داشت به جز شکست برابر تیم استقلال آن هم با چند بازیکن جوان، بی ادعا و کم نام و نشان. اما تیم جوان آن زمان استقلال دست به کار بزرگی زد و با تک گلی که علیرضا اکبرپور از روی یک ضربه کرنر به ثمر رساند این بازی را با پیروزی پشت سر گذاشت.

البته آبی پوشان در سومین بازی خود به نوعی هوشمندانه و با هدف دوم شدن در گروه به مصاف تیم کوپکتداق رفته و این بازی را با نتیجه یک بر صفر به حریف واگذار کردند تا در مرحله نیمه نهایی مسابقات به مصاف تیم دالیان چین بروند. دیداری که با نتیجه سه بر دو به سود استقلال خاتمه یافت و منجر به راهیابی آبی پوشان به فینال مسابقات شد.

استقلالی که در سال ۷۷ با تیم العین بازی کرد به استقلالی قرار است در سال ۹۶ به مصاف العین برود شباهت‌های زیادی داشت. از جمله این که مربیگری استقلال در هر دو مقطع با مردانی بود که از محبوبیت بین هواداران برخوردار بوده و هستند. ضمن این که استقلال در آن زمان هم یک تیم جوان، پوست انداخته و کم نام و نشان بود و این ویژگی را در تیم فعلی استقلال هم می‌توان دید.

آبی پوشان در سال ۷۷ یکبار بر العین که تیمی پر مهره بود در خانه این تیم غلبه کردند و بعد از پیروزی بر العین به فینال جام باشگاه های آسیا رسیدند. باید دید که تاریخ بار دیگر برای تیم استقلال تکرار می شود یا خیر و آیا این تیم باز هم می تواند بر تیم العین غلبه کند؟

افاضات مسعودی

جام حذفی ؛ شیک ، پرسروصدا و بی دردسر!

جام حذفی فوتبال کشور پس از کش و قوس های فراوان نهایتاً با برتری نفت تهران در مقابل تراکتورسازی تبریز در دقایق پایانی بازی به سرانجام رسید تا شاگردان علی دایی پس از پشت سرگذاشتن یک دوره سخت و طاقت فرسا فصل را با خوشحالی به پایان برسانند . این سومین قهرمانی علی دایی در چهارچوب مسابقات جام حذفی بود و پیش از این نیز او دو مرتبه با پرسپولیس به این افتخار رسیده بود و حالا تنها مربی لیگ ماست که با دو تیم مختلف به این مهم دست پیدا کرده است . نفت برای رسیدن به این قهرمانی شش مسابقه انجام داد و به ترتیب با پیروزی در برابر تیم های مهرگان دره شهر ایلام ، نساجی مازندران ، شهرداری فومن ،استقلال تهران ، سپاهان و نهایتاً تراکتورسازی تبریز توانست جام قهرمانی را خیلی شیک ، پرسروصدا و بی دردسر بالای سر ببرد . هرچند در شایستگی تیم نفت در کسب رتبه قهرمانی این مسابقات تردیدی نداریم اما یکی از مزیت های جام حذفی همین است که با شش بازی که بعضاً نیمی از آنها تشریفاتی اند می توان قهرمانی این مسابقات را کسب کرد و جام را بالای سر برد . البته در این مسیر همه بازی ها سخت و طاقت فرساست و نمی توان گفت پیروزی نفت برابر تیم های مهرگان دره شهر یا نساجی و شهرداری فومن راحت بوده است چرا که شاهد بوده ایم تیم دسته دومی قشقایی در مرحله یک سی و دوم و در همان بازی اول پرسپولیس که قهرمان لیگ برتر شده است را از گردونه رقابتها حذف کرد و بنابراین توضیح اینکه قهرمان شدن در جام حذفی با ۶ بازی که بعضاً نیمی از آنها ساده هستند چیزی از ارزش های تیم نفت وعلی دایی کم نمی کند چرا که به هرحال او سه بازی حساس در مقابل استقلال، سپاهان و تراکتورسازی را پیروز شده است و همین برای اثبات شایستگی تیم نفت کافی است. هرچند هنوز هم معتقدیم قهرمانی در جام حذفی با شش بازی در مقایسه با قهرمانی در لیگ برتر با سی بازی طاقت فرسا یک قهرمانی شیک ، پرسروصدا و بی دردسر محسوب می شود !

« مسعود عطری »

اخبار

آخرین وضعیت تغییرات در تراکتور؛

تمدید قرارداد بازیکنان مطرح و جذب سه بازیکن آزاد

تیم فوتبال تراکتورسازی که با امیر قلعه‌نویی نتوانست به موفقیتی دست پیدا کند برای فصل آینده کمترین تغییر را خواهد داشت و اکثر بازیکنان مطرح قراردادشان را تمدید می‌کنند. محرومیت نقل و انتقالاتی باشگاه تراکتورسازی هواداران این باشگاه را تا حدودی برای فصل آینده نگران کرده اما به نظر می رسد با توجه به شرایط موجود تغییرات زیادی در این تیم روی نخواهد داد و شاکله اصلی تراکتور در فصل آتی حفظ می شود. بر اساس محرومیت فیفا باشگاه تراکتورسازی امکان حضور در فصل نقل و انتقالات را نخواهد داشت و به همین دلیل نخستین گام مسئولین این باشگاه تمدید قرارداد بازیکنان فعلی خواهد بود.بر همین اساس تمدید قرارداد محمد نوری، ایرانپوریان، فرزاد خاتمی و خالد شفیعی اصلی ترین برنامه باشگاه در روزهای آتی به شمار می رود که در همین خصوص مذاکرات دو جانبه از هفته گذشته آغاز شده است. گفته می شود جاسم کرار هم برای حضور در این تیم با پیشنهاد مسئولان باشگاه موافقت کرده است.بازیکنانی مثل محمد ابراهیمی، مهدی شریفی، هادی محمدی، شهرام گودرزی، مهدی زاده، کیانی و سینا عشوری با باشگاه قرارداد دارند و بر این اساس با تمدید قرارداد ۵ بازیکن شاخص باشگاه ترکیب اصلی تراکتورسازی در فصل آتی نیز حفظ خواهد شد. این درحالی است که محمد نادری مدافع چپ فصل گذشته نساجی نیز به صورت قرضی در این تیم حضور داشته و در فصل جدید به تیم سابق خودش تراکتورسازی بازمی گردد. با شرایط موجود بعد از جدایی ادینیو، محمدرضا اخباری که بازیکن باشگاه سایپا محسوب می شود نیز باید به تیم سابق خودش بازگردد. شرایط سعید آقایی دفاع چپ تراکتورسازی هم هنوز مشخص نیست.بر این اساس احتمالا شاهد جدایی ۳ یا ۴ بازیکن از ترکیب تراکتورسازی خواهیم بود که در این بین سینا عشوری و محمد نادری به لیست سرخ های تبریز بازمی گردند. با توجه به سهمیه آزاد جذب ۳ بازیکن جدید نیز تراکتوری ها پس از جدایی اخباری می توانند به دنبال یک دروازه بان جدید همچنین یک هافبک و یک مهاجم باشند تا به این صورت تیم خود را برای فصل جدید تقویت کنند.البته این محدودیت تا نیم فصل برای تراکتوری ها وجود خواهد داشت و پیش از حضور در مرحله پلی آف رقابت های آسیایی باشگاه تراکتورسازی می تواند برای جذب بازیکنان مورد نظر خودش در فصل نقل و انتقالات اقدام کند که در این صورت تراکتوری ها در نیم فصل دوم شرایط بهتری پیدا می کنند.بر این اساس به نظر می رسد ترکیب تراکتورسازی در فصل آتی تغییر چندانی نخواهد داشت و این تیم با جذب نفرات مورد نیاز خودش از طریق سهمیه فیفا می تواند همچنان یکی از مدعیان لیگ در فصل آتی باشد و حداقل خاطر هواداران تیم سرخ تبریز از این ناحیه آسوده خواهد بود.البته هنوز وضعیت نیمکت تراکتورسازی مشخص نیست و با جدایی امیر قلعه نویی که باشگاه دیگر تمایلی به همکاری با او ندارد، مسئولان مذاکره با گزینه های مورد نظرشان را آغاز کرده اند تا هر چه سریعتر سکاندار این تیم مشخص شود.

علی دایی سرمربی تیم فوتبال سایپا شد

سرمربی سابق تیم فوتبال نفت بعد از مذاکرات نهایی، به عنوان سرمربی جدید تیم فوتبال سایپا انتخاب شد تا در لیگ هفدهم، هدایت نارنجی پوشان را بر عهده داشته باشد.

علی دایی که روز پنجشنبه گذشته موفق شد با تیم نفت تهران به عنوان قهرمانی جام حذفی برسد، بعد از مذاکره با مسئولان باشگاه سایپا سرانجام برای یک فصل به عنوان سرمربی تیم فوتبال سایپا انتخاب شد.

علی دایی بعد از جلسه هیات مدیره و انتخاب قطعی به عنوان سرمربی سایپا، به همراه رضا درویش مدیرعامل باشگاه در جلسه ای با حضور مدیر کل شرکت سایپا حاضر شده است. دایی ۱۰ سال پیش هم به عنوان سرمربی در تیم سایپا حضور داشت و توانست با این تیم به عنوان قهرمانی لیگ برتر برسد.

قرارداد علی دایی با تیم فوتبال سایپا امضا شد تا همکاری طرفین رسمی شود.